

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی دلیل سوم امام خمینی(ره) و محقق یزدی(ره)

بحث به اینجا رسید که آنچه که قصر در آن واجب هست نمازهای چهار رکعتی است اما در نماز صبح و مغرب قصر وجود ندارد. این مطلب سه دلیل دارد؛ یعنی این مطلب از مطالبی است که نیاز به دلیل ندارد ولی به هر حال این سه دلیل عبارتند از:

دلیل اول:

اجماع؛

دلیل دوم:

ضرورت دین دلالت روشنی بر این مطلب دارد؛

دلیل سوم:

در روایات صحیحہ نیز چنین مطلبی وارد شده است؛ روایاتی همچون: صحیحہ زراره از امام باقر(ع) که در جلد چهارم کتاب «وسائل الشیعه» از چاپ جدید، ابواب «اهداف الفرائض و نوافلها» صفحه 49 باب 13 حدیث 12 آمده است و سندش هم به این قرار است که «عن هو - یعنی عن علی بن ابراهیم - عن ابيه عن ابن ابي عمير عن عمر بن ازينه عن زراره عن ابي جعفر(ع) أنه قال عشر ركعات ركعتان من الظهر و ركعتان من العصر و ركعتا الصبح و ركعتا المغرب و ركعتا العشاء الآخرة لا يجوز الوهم فيهن» این مطلبی که مسئله اش را همه ی آقایان می دانند، چنانکه کسی شک کند در رکعت اول و دوم، سهوی برای او واقع شود، شکی برای او واقع شود این نمازش باطل است. در این رکعات یعنی در این دو رکعت اول ظهر و دو رکعت عصر، دو رکعت عشاء و مغرب و دو رکعت صبح «لا يجوز الوهم فيهن و من وهم في شيء منهن استقبال الصلاة استقبالا و هي الصلاة التي فرضها الله عز و جل على المؤمنين في القرآن و فوض إلى محمد(ص) فزاد النبي(ص) في الصلاة سبع ركعات»، آن هفت رکعت دیگر را رسول خدا(ص) اضافه فرمودند، «و هي سنة»؛

البته اصطلاح سنت در روایات یعنی «ما فرضه النبي» و اصطلاح فریضه در روایات یعنی «ما فرضه الله»، چون این نمازهای چهار رکعت دو رکعت اولش «مما فرضه الله» است، دو رکعت دومش سنت است، منتها نه سنت به معنای استحباب، یعنی «مما اوجبه النبي(ص)»، می فرماید: این رکعاتی که رسول خدا(ص) اضافه فرموده «ليس فيهن قراءة» می گوید: فاتحه الكتاب در اینها نیست «إنما هو تسبيح و تهليل و تكبير و دعاء فالوهم إنما يكون فيهن فزاد رسول الله(ص) في صلاة المقيم غير المسافر

رکعتین فی الظهر و العصر و العشاء الآخرة»، شاهد این تعبیر است که می‌فرماید «و رکعة فی المغرب للمقیم و المسافر» یک رکعت نماز مغرب هم برای مقیم است و هم برای مسافر.

البته روایات دیگری هم وجود دارد که مراجعه بفرمایید؛ این مسئله از واضحات است در صلاة صبح و مغرب تقصیری وجود ندارد.

تبیین شروط هشت‌گانه برای قصر در

نمازهای چهار رکعتی، از منظر امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) بعد از اینکه می‌فرمایند در نمازهای چهار رکعتی «يجب القصر»، می‌فرمایند: این قصر دارای شروط ثمانیه است، هشت شرط را به عنوان شرط قصر بیان می‌کنند.

شرط اول: مسافت

امام خمینی(ره) در «تحریر الوسيله» می‌فرمایند: «أحدها المسافة» اولین شرط، مسافت است «و هی ثمانية فراسخ» مسافت شرعی هشت فرسخ است، حالا تا دنباله‌ی عبارت که فروعی را اینجا بیان می‌کنند، این هشت فرسخ سه صورت دارد که عبارتند از:

صورت اول:

هشت فرسخ امتدادی ایابی؛

صورت دوم:

هشت فرسخ امتدادی ذهابی؛

صورت سوم:

هشت فرسخ تلفیقی ایابی و ذهابی، که اینها آیا تلفیقش هم درست است یا نه؟ حالا بحثش را باید مطرح کنیم.

در این زمینه بین امامیه فی‌الجملة اختلافی وجود ندارد بر اینکه در کمتر از هشت فرسخ نماز قصر نمی‌شود، اما بین اهل سنت اختلاف است و اینها اقوال مختلفی دارند؛ علمای عامه اقوال مختلفی دارند، مثلاً ابوحنیفه و اصحابش گفته‌اند که «إن أقل ما تقصر فيه الصلاة ثلاث مراحل»، أقل مقداری که نماز قصر می‌شود سه مرحله است؛ «كل مرحلة ثمانية فراسخ» هر مرحله‌ای هشت فرسخ است، در نتیجه در سه مرحله باید باشد یعنی 24 فرسخ، این قول ابوحنیفه است.

مالک، شافعی، احمد و جماعت زیادی از اهل سنت گفتند: «تقصر فی مرحلتین»، در دو مرحله یعنی 16 فرسخ. برخی دیگرشان مثل اوزاعی گفته «مسيرة يوم تام»، مسیر یک روز کامل، این در میان اهل سنت است.

حال قبل از اینکه بحث را دنبال کنیم، ببینید این اصطلاح فرسخ، مرحله، برید، میل و... معنای اجمالی اش چیست؟

معنای فرسخ:

مسافت واقع بین دو سنگ در هر شش کیلومتر؛

فرسخ، معرّب پرسنگ است، در هر شش کیلومتر سنگ‌های زیادی را قرار می‌دادند به عنوان علامت فرسخ آن وقت چون سنگ قرار می‌دادند لذا می‌گفتند یک پرسنگ یا فرسنگ و گاهی اوقات در لغات فارسی فرسنگ هم می‌گویند و فرسخ، معرّب این کلمه است. تعبیر این است «سَمَى المسافة الواقعة بين الحجرين فرسخا» چون اینجا سنگ قرار می‌دادند در شش کیلومتر بعد از آن هم به عنوان علامت سنگ قرار می‌دادند، زمان ما تابلو هست آن موقع که این تابلوها نبوده، سنگ را به عنوان علامت قرار می‌دادند، مسافت بین الحجرین را یک فرسخ می‌گفتند.

معنای میل:

ثلث یک فرسخ، یعنی دو کیلومتر؛

آن وقت فرسخ را که به سه قسمت تقسیم می‌کردند، در هر ثلثی از فرسخ، یک میلی را به عنوان علامت قرار می‌دادند در نتیجه هر فرسخی سه میل است، هشت فرسخ می‌شود 24 میل. «سَمَى ما بين المیلین میلا»

معنای برید:

محل اقامت و استراحت در راس فرسخ اول؛

چرا برید می‌گویند؟ به این علت که قبلاً سلاطین نامه‌هایی را که می‌خواستند ارسال کنند، نامه‌رسان این نامه را می‌آورد در فرسخ اول می‌داد به کسی که آنجا بود او می‌برد در فرسخ دوم، یک کسی که در فرسخ دوم بود می‌برد برای نفر سوم در فرسخ سوم، لذا به این جهت می‌گویند برید، برید از همان برد است، برد به معنای شتاء است، یا غالباً اینها سفرشان را در شتاء انجام می‌دادند یا گفتند چون اینجا محل اقامت می‌کردند «للتبرد»، اینجا توقف می‌کردند برای اینکه یک مقدار خنک شوند، اصطلاحاً به اینها برید می‌گویند. در نتیجه اینکه به غلط می‌گویند برید یعنی نامه‌رسان، اشتباه است چون برید به معنای نامه نیست، بلکه برد به معنای سردی یا خنکی و یا استراحت است؛ زیرا اینها آنجا که می‌رسیدند یک مقدار استراحت می‌کردند. نامه رسان اول می‌آمد رأس فرسخ اول و نامه را می‌داد به نامه رسان دوم و از این کار تعبیر می‌شد به «فی برید»، فرسخ دوم می‌شد «بریدین».

اینها را در ذهن شریفان داشته باشید که روایاتش را که می‌خواهیم بخوانیم ببینیم در این روایات اختلافی وجود دارد یا نه؟ پس معنای فرسخ روشن شد و میل هم معنایش روشن شد، برید هم معنایش روشن شد.

معنای مرحله:

هشت فرسخ یا مقدار سیری که در یک روز عادتاً انجام می‌شده یک مرحله است؛

آن وقت مرحله که هشت فرسخ است و در تعابیر اهل سنت هم آمده، مقدار سیری که در یک روز عادتاً انجام می‌شده را می‌گویند یک مرحله، که بعد از اینکه این سیر را انجام می‌دادند اتراق می‌کردند، منزل می‌کردند، نزول می‌کردند، بعد دوباره استراحت می‌کردند و فردا دو مرتبه راه را ادامه می‌دادند؛ قوافل و قافله‌ها معمولاً در آن زمان مرحله به مرحله می‌رفتند که هر مرحله، هشت

فرسخ است. اینها تعبیری است که معنای اجمالی اش همین است که عرض کردیم.

بررسی تعیین مقدار مسافت شرعی از منظر روایات

بحث در این است که مسافت شرعی چه مقدار است؟ در این زمینه دو نکته مقدماتی وجود دارد:

نکته اول:

آیه التقصیر، اصل قصر را بیان کرده، نه مقدار آن را؛

تعبیری که طبق آن بحثی که ما کردیم آیه‌ی شریفه دلالت بر اصل قصر دارد، اما در آیه دیگر بیان نکرده آنچه که به آن مقداری که قصر واقع می‌شود چه مقدار است؟ آیه فرمود: (وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ)، لذا بعضی از علمای عامه مثل داود گفتند آیه که مقداری را معین نکرده و می‌گوید (وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ)، لذا داود می‌گوید اگر یک مقدار کمی هم شما سیر در ارض کردی، صدق «ضرب فی الأرض» شد نماز قصر می‌شود. طبق بیان او آدم یک کیلومتر هم از حد ترخص یا همان حدود حدّ ترخص هم پرود باید نمازش را قصر کند. ظاهریه همه‌شان همین را می‌گویند. ولی این قول بیشتر به داود و پیروان داود منصوب است و شخص دیگری از اهل سنت این قول را ندارد. پس خود آیه شریفه دلالتی بر مقدار مسافت شرعی ندارد و دأب خدای تبارک و تعالی این است که در احکام کلیات را بیان می‌فرماید، (وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا) الی آخر. لذا باید ببینیم که روایات چه دلالتی دارند؟

نکته دوم:

قصر در سفر، صدقة من الله تعالی است که در آیه التقصیر بیان فرموده؛

همین نکته را هم عرض کنم روایات را که بعداً می‌خوانیم آن عرض ما که گفتیم آیه خودش دلالت بر قصر در نماز مسافر دارد و این چیزی نیست که «مما فرضه النبی(ص)» باشد، این هم در روایات برایش دلالت داریم و قرائنی دارد. مثلاً همین روایتی که دیروز خواندیم این را باز دقت کنید که فرمود این «صدقة من الله» و ندارد «صدقة من النبی(ص)»! یعنی این قصر در نماز را خدا واجب کرده یا در روایات می‌گوید «آیه التقصیر»، اصلاً غیر از اینکه در آن روایت قبلی امام باقر(ع) خود این آیه را خواند این آیه در بین ائمه‌ی ما معروف بوده به «آیه التقصیر» نه تنها در بین ائمه، در بین مسلمان‌ها هم این شایع بوده به عنوان «آیه التقصیر» و اصل تقصیر را خدای تبارک و تعالی بیان فرموده است.

بررسی نظریه‌ی محقق بروجردی(ره) در تبیین مقدار مسافت شرعی

اما مقدار مسافت شرعی چقدر است؟ اینجا روایات مختلف است، روایات را چند جور می‌شود تقسیم‌بندی کرد؛ یک تقسیمی در کلمات مرحوم آقای بروجردی(ره) وجود دارد که ایشان آمدند روایات را به سه طایفه تقسیم کردند و فرمودند:

طائفه اول:

ما یک روایاتی داریم که دلالت دارد بر اینکه مسافت شرعی، هشت فرسخ است؛

یک روایاتی داریم که دلالت دارد بر اینکه مسافت شرعی چهار فرسخ و یا مادون هشت فرسخ است که البته پنج فرسخ هم داریم؛

یک روایاتی هم تعبیر می‌کنند به تلفیق، چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد.

مناقشه بر تقسیم محقق بروجردی(ره) از منظر مختار

اما این تقسیم‌بندی به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی ثنائی نیست، یکی از نکاتی که آقایان در فقه خیلی باید دقت بفرمایند این است که تقسیم‌بندی و اینکه یک روایاتی را در بحث استدلالی بخواهید تقسیم کنید، یک تقسیم‌بندی ثنائی باید برایش بشود.

بررسی تعابیر وارده در روایات

در نتیجه ابتدا ما باید ببینیم چقدر و چه تعابیری در روایات آمده، وقتی ملاحظه می‌کنیم، نه تعبیر بلکه ده تعبیر در روایات آمده که عبارتند از:

تعبیر اول: «ثمانیة فراسخ»، این یک تعبیر معروف هم هست؛

تعبیر دوم: «بریدان»؛

تعبیر سوم: «اربعة و عشرون میلاً»، 24 میل؛

تعبیر چهارم: «مسیرة یوم»؛

تعبیر پنجم: «بیاض یوم»؛

تعبیر ششم: «برید»؛

تعبیر هفتم: «مسیرة یوم و لیلة»؛

تعبیر هشتم: «ثلاثة بُرد» که جمع برید است؛

تعبیر نهم: «مسیرة یومین». یعنی همان طوری که «مسیرة یوم» داریم، در تعابیر روایات «مسیرة یومین» هم وجود دارد.

تعبیر دهم: «اثنی عشر میلاً» 12 میل؛ البته اینجا این تعبیر را هم به عنوان طائفه‌ی دهم بیاوریم که در بعضی از روایات دوازده میل داریم و آن علتش این است که راوی، یک شخص خراسانی است و میل خراسانی، دو برابر میل دیگران بوده یعنی دوازده میل خراسانی، بیست و چهار میل دیگران می‌شود.

بررسی کیفیت جمع بین تعابیر وارده در روایات

حال در میان این نه یا ده تعبیر فوق، دو نکته مهم قابل توجه است که عبارتست از:

نکته‌ی اول:

بین تعابیر ثمانیة فراسخ، بریدین، اربعة عشرون میلاً و اثنی عشر میلاً، اختلافی نیست؛

از میان تعابیر ده‌گانه، تعبیر اول، دوم و سوم، یعنی «ثمانیة فراسخ»، «بریدین» و «اربعة و عشرون میلاً»، یک تعبیر واحد است و در اینکه این سه تعبیر، مآلشان به یک شیء واحد است، بحثی وجود ندارد، یعنی چون گفتیم هر بریدی چهار فرسخ است، لذا

دو برید می‌شود هشت فرسخ و هر فرسخی سه میل است و هشت فرسخ، بیست و چهار میل می‌شود. پس بین «ثمانیة فراسخ»، «بریدین» و «اربعة و عشرون میلاً»، فرقی وجود ندارد این سه تا مسلّم یک عنوان واحد و یک معنای واحدی دارد؛ که البته تعبیر دهم هم یعنی «اثنی عشر میلاً»، به همین‌ها باز برمی‌گردد.

نکته دوم:

بررسی مراد از سایر تعابیر باقی‌مانده، ضمن چند مطلب؛ پس تعابیر، همین ده موردی است که عرض کردیم، اینها را تقسیم‌بندی می‌کنیم چهارتای آنها یکی است؛ اما آن شش تعبیری که از این تعابیر باقی می‌ماند ضمن چند مطلب باید بررسی شود:

مطلب اول:

بررسی مراد از تعبیر «مسیرة یوم»؛ از میان تعابیر ذکر شده، تعبیر «مسیرة یوم» باقی می‌ماند که باید بررسی کنیم که آن را باید چکار کنیم؟ زیرا در بعضی روایات، «مسیرة یوم» داریم آن وقت آنجا باید بیائیم از روایت استفاده کنیم ببینیم اصلاً معنای «مسیرة یوم» چیست؛ البته تعبیر «بیاض یوم» هم دارد که آن را هم می‌توانیم با مسیرة یوم یکی قرار بدهیم، پس سؤال این است که

اولاً:

مراد از «مسیرة یوم» چیست؟ که ضمن دو احتمال زیر باید بررسی شود:

احتمال اول:

آیا مراد این است که مسافر از اول طلوع شمس یا از اول فجر تا اول مغرب، حرکت کند، حالا یوم را از فجر بگیریم یا از اول شمس؟ آیا مراد از «مسیرة یوم» این معناست؟ آن وقت بگوئیم مسافر باید تمام این مدت را حرکت کند و استراحتی نکند؛

احتمال دوم:

یا آیا مراد از «مسیرة یوم» یعنی یک روز متعارف، این یک روز وقتی دو سه ساعت حرکت کرد، سپس نیم ساعت استراحت می‌کند.

ثانیاً:

بحث این است که «کیف الجمع بین مسیرة یوم و ثمانیة فراسخ»؟ اینجا است که بین فقها در سه فرض زیر اختلاف واقع شده است؛ این سه فرض عبارتند از:

فرض اول:

اینکه هر یک از «مسیرة یوم» و «ثمانیة فراسخ» سبب تام و ضابطه‌ی مستقل برای قصر هستند؛ یعنی شارع دو ضابطه‌ی جدا

برای قصر قرار داده و فرموده یا «ثمانیة فراسخ» و یا «مسیرة یوم». به عبارت دیگر، هر کدام، یک سبب و یک ضابطه‌ی معین است که برخی از فقهاء همچون مرحوم عاملی(ره) صاحب کتاب «مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام» فرموده: اظهر همین فرض است؛ مثلاً فرض کنید که «ثمانیة فراسخ» برای آنجایی است که مسیرهای متعارف و عمومی مردم است که سنگ گذاشتند و سنگ‌چینی کردند؛ اما «مسیرة یوم» برای آنجایی است که در آن مسیر، علامتی وجود ندارد؛ مثلاً بعضی از افراد هستند که از کوه‌ها و دامنه‌های جبال حرکت می‌کنند که آنجا علامتی وجود ندارد، لذا بگوئیم «مسیرة یوم» را خدا برای آنها قرار داده است؛

فرض دوم:

یا اینکه بگوئیم: «ثمانیة فراسخ» سبب و ضابطه‌ی قصر است و «مسیرة یوم» اماره‌ی برای هشت فرسخ است. یعنی خود «مسیرة یوم» ضابطه نیست یا این را بگوئیم؛

فرض سوم:

یا اینکه بگوئیم: «مسیرة یوم» ملاک برای قصر در نماز است اما «ثمانیة فراسخ» اماره‌ی برای سیر «من اوّل الشمس إلی اول اللیل» است که عکس فرض دوم است.

مطلب دوم:

بررسی تعبیر «مسیر یوم و لیلة»؛
باز می‌رسیم به روایتی که دارد «مسیرة یوم و لیلة»، که باید بررسی کنیم با این تعبیر چه کار کنیم؟ آیا «واو» را به معنای «و» بگیریم یا حمل بر تقیه کنیم؟

مطلب سوم:

بررسی تعبیر ثلاثة برد و برید؛
باید بررسی کنیم و ببینیم که با تعبیر «ثلاثة بُرد» چه کار کنیم؟ و تعبیر «برید» را چه کار کنیم؟

مطلب چهارم:

بررسی تعبیر مسیرة یومین؛
به هر حال، اینها تعابیری است که در روایات آمده و این بحثی است که اینجا باید مطرح کنیم، حالا ما یک مقدار روایات را که این تعابیر در آن وجود دارد باید بخوانیم و بعد از اینکه این روایات را خواندیم یک مقدار در فقه الحدیث این روایات تأمل کردیم مسئله را تمام کنیم؛

طرح نظریه‌ی محقق خویی(ره) در تبیین مقدار مسافت شرعی

محقق خویی(ره) مسئله را این چنین مطرح فرمودند که ما روایات زیادی داریم که در اینها صحاح و ثقات وجود دارد، فرمودند

روایات «متکثرة، متواترة ولو اجمالاً» بر اینکه ملاک، هشت فرسخ است، دیگر متعرض سایر تعابیر مختلف نشدند بر حسب آنچه که در این کتاب «موسوعة الامام الخویی(ره)» آمده؛ حال محقق خویی(ره)، دیگر اینکه ما با روایت «مسيرة يوم» چه کار کنیم؟ یا با روایت «مسیر يوم و ليلة» چه کار کنیم؟ در اینجا متعرض نشدند.

شاید محقق خویی(ره) بخواهند بفرمایند روایاتی که دلالت بر هشت فرسخ دارد چون به حدّ تواتر است، اگر یک روایتی در مقابل آنها باشد آن روایت قابلیت معارضه را ندارد، یک خبر واحد که با خبر متواتر نمی‌تواند معارضه کند. یا یک طرف خبر شاذ است و این طرف مشهور است، اینها قابلیت تعارض را ندارند، ایشان از جهت صناعت استدلالی مسئله را اینطور تمام کردند، دو سه تا روایت را اشاره کردند و سپس وارد بحث بعدی شدند؛

تبیین بایسته‌های بحث و سیر آن در مقام، از منظر مختار

ولی بنابر تحقیق این بحث از بحث‌هایی است که ما باید در آن دو مطلب را تحقیق نماییم و آن دو مطلب عبارتند از

مطلب اول:

لزوم بررسی روایی نظر صاحب مدارک(ره)؛ لازم است تا روایات را یکی بررسی کنیم تا ببینیم از آنها چه چیزی استفاده می‌شود؟ به تعبیر دیگر، باید بررسی کنیم و ببینیم که آیا از روایات چنین استفاده می‌شود که آیا نظریه‌ی صاحب مدارک(ره) را بگرییم و بگوئیم اظهر این است که این روایات دو ضابطه‌ی مستقل به ما داده‌اند؟ اساساً روی این فکر بفرمایید، می‌توانیم بگوئیم شارع متعال برای نماز قصر، دو ضابطه قرار داده؟ یا آیا این برخلاف روش تقنین است و شارع متعال باید یک ضابطه و ملاک ذکر کند.

مطلب دوم:

لزوم بررسی تمام روایات نقل شده در مقام؛ یکی از دیگر نکات این است که ما نیائیم فقط روایات یک باب را در کتاب «وسائل الشیعة» را بررسی کنیم، ببینید در ابعاد «صلاة المسافر» در جلد هشتم صفحه 451 باب اول این است؛ «باب وجوب القصر فی بریدین، ثمانية فراسخ فصاعداً أو مسيرة يوم معتدل السير»، این عنوانی است که صاحب وسائل(ره) به این باب داده است، البته محققین محترم اطلاع دارند که صاحب وسائل(ره) عناوینی که برای ابواب کتاب خود انتخاب کرده است، فتوای ایشان است، یعنی صاحب وسائل(ره) می‌گوید اگر «بریدین» و «ثمانية فراسخ»، باشد؛ چون ایشان این دو تعبیر را یکی گرفته، یا «مسيرة يوم» باشد، یعنی همان چیزی که قبل از ایشان، صاحب مدارک(ره) (م 1009 هـ ق) آمده از روایات استظهار کرده؛ یعنی قبل از صاحب وسائل(ره) خود مرحوم صاحب مدارک(ره) آمده از روایات چنین استفاده کرده و صاحب وسائل(ره) (1033-1104 هـ ق) نیز بعد از ایشان می‌گوید برای مسافت شرعی دو ضابطه داریم که یا «ثمانية فراسخ»، است و یا «مسيرة يوم»، که حالا وارد «مسيرة يوم»، شویم بحث می‌کنیم که آیا سیر با فرس مراد است، یا سیر با بقر مراد است یا سیر با کاروان‌های متعارف مراد است؟ اینها را باید روشن کنیم.

بررسی روایات منقوله در ابواب مختلف، پیرامون وجوب قصر در سفر

آن طور که گفته شد بعضی از تعابیر ده‌گانه در ابواب دیگر هم وجود دارد؛ لذا ما نباید در بررسی این روایات فقط به همین هجده

روایتی که صاحب وسائل (ره) در باب اول آورده اکتفا کنیم. چون عرض کردم بعضی از کتاب‌های بزرگان را که من دیدم، فقط همین روایات باب اول را تعرض اجمالی داشتند و از موضوع رد شدند در حالی که ما باید همه‌ی این روایات را بررسی کنیم.

الف. بررسی هجده روایت منقوله در باب اول کتاب وسائل الشیعة

ابتدا این هجده روایت را بررسی می‌کنیم و سپس به روایات سایر ابوابی که این تعبیرها در آن آمده است، خواهیم پرداخت؛ به بررسی این روایات عنایت فرمایید:

بررسی روایت اول:

روایت ضعیفه‌ی فضل بن شاذان از امام رضا (ع)؛
روایت اول از همین باب اول را بخوانیم؛ سند و متن روایت به شرح زیر است:

الف. بررسی سند روایت اول:

«محمد بن علی بن الحسین بإسناده عن الفضل بن شاذان»، سند شیخ صدوق (ره) به فضل بن شاذان (ره) در آن دو نفر هستند یکی «عبد الواحد بن عبدوس نیشابوری عطار» است و اسمی از او در رجال نیست، یکی هم «علی بن محمد بن قتیبه» است که در رجال نامش را آوردند ولی توثیقی ندارد! لذا سند این روایت سند درستی نیست.

ب. بررسی دلالت روایت:

«عن الرضا (ع) أنه سمعه يقول» یعنی فضل بن شاذان، که نیشابوری‌ها به او خیلی اعتنا دارند «سمعه يقول: إنما وجب التقصير في ثمانية فراسخ»، امام هشتم (ع) بر حسب این روایت، فرمود تقصیر در هشت فرسخ واجب است، «لا أقل من ذلك و لا أكثر»، نه کمتر و نه بیشتر، این «لا أقل» و «لا أكثر»، حضرت اشاره دارند به حرف‌های اهل سنت، بعضی‌هایشان گفتند به عنوان «صدقه من النبي (ص)» است و بعضی هم گفتند بیست و چهار فرسخ، بعضی‌هایشان هم گفتند شانزده فرسخ، بعد می‌فرمایند: «لأن ثمانية فراسخ مسيرة يوم»، هشت فرسخ مسیر یک روز است «للعامة و القوافل و الأثقال»، اینها که می‌خواهند بار ببرند، قافله‌هایی که حرکت می‌کنند یا عموم مردم که می‌خواهند از جایی به جایی بروند، اینها در یک روز به حسب عادت، هشت فرسخ را طی می‌کنند، بعد می‌فرمایند: «فوجب التقصير في مسيرة يوم»، در مسیر یک روز تقصیر واجب است. یک عبارتی در روایت دارد که یک مقدار فهمش مشکل است بعد حضرت (ع) می‌فرماید: «ولو لم يجب في مسيرة يوم لما وجب في مسيرة ألف سنة» اگر در مسیر یک روز تقصیر واجب نباشد، هزار روز هم برود نباید تقصیر واجب باشد، چرا؟ «و ذلك لأن كل يوم يكون بعد هذا اليوم فإنما هو نظير هذا اليوم»، هر روزی بعد از امروز نظیر روز قبل است، «فلو لم يجب في هذا اليوم لما يجب في نظيره»، اگر در امروز که از صبح تا شب راه آمده قصر واجب نباشد، فردا هم نباید قصر واجب باشد، تا هزار روز هم برود نباید قصر واجب باشد، «إذ كان نظيره مثله لا فرق بينهما». این یعنی چه که امام رضا (ع) می‌فرمایند اگر در یک روز واجب نباشد در هزار روزش هم نباید واجب باشد؟ نماز قصر یک هدیه‌ای است برای اینکه سفر غالباً همراه با مشقت است کسی که یک روز راه می‌آید حرکت می‌کند شب را استراحت می‌کند فردا دوباره روز از نو می‌شود و دوباره شب حرکت می‌کند، پس فردا دوباره حرکت می‌کند و شب استراحت می‌کند، پس باید همین «مسیرة يوم» باشد.

این روایت هم «ثمانية فراسخ» در آن وجود دارد و هم «مسیرة يوم»، فعلاً الآن نمی‌خواهیم آن بحث را روشن کنیم، بلکه فقط

می‌خواهیم این روایات را یک مقدار بخوانیم تا ببینیم ماحصل این روایات چیست.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين